



گفت‌وگو با هوشنگ خستویی

مرحمت فرموده ما را مس کنید

گفت‌وگو با این عضو شورای عالی جامعه حسابداران رسمی گاه رنگ شعر به خود می‌گیرد. رنگ فردوسی بزرگ. گاه رنگ بازی قدیمی و دوست داشتنی فوتبال. رنگ فنلاند به خود می‌گیرد، رنگ ناپلئون. رنگ تاکید بر استفاده از کلمات فارسی: گرانیگاه. رنگ جاده‌های شمال و چای نوشیدن و طرح یک سوال: کجاست جای رسیدن؟ رنگ خستگی تمام حساب‌برسان در فصل گرم مجامع و تلاش برای یافتن گریزگاهی دور و نزدیک از جاده‌های همیشه سبز چالوس یا کوه‌های همیشه سرد همین تهران. هوشنگ خستویی فکر می‌کند حرفه‌ی حسابرسی، حرفه‌ی طاق‌فرسایی است. نفس‌گیر. پر از سوال. پر از چالش و هراس از مواجهه با همه‌ی آدم‌هایی که هر یک به شکلی از هر رنگی، چیزی از آدم می‌خواهند. این حساب‌برس، خود را درمقابل همه‌ی اعضای جوان و قدیمی موظف به پاسخگویی می‌داند. می‌گوید: من یکی از اعضای شورایی عالی جامعه‌ی حسابداران رسمی هستم. هر رای اعضای این جامعه به من، رای به اندیشه‌ی من بوده است.

ما حالا با ۱۴۰۰ حساب‌برس و بیش از ۱۸۰ موسسه‌ی حسابرسی مواجه هستیم که باید پاسخ‌گوی آن‌ها باشیم. او امید دارد که روزی راه‌حل همه‌ی چالش‌های ساده اما عمیق امروز جامعه، شناسایی، تدوین و اجرا شود. به زودی زود. او از سیاه و سپید حرفه ما سخن می‌گوید.

پیش از گفتگو در ابتدا یادی از فردوسی، سراینده‌ی شاهنامه می‌کند و می‌گوید سپاسگزار شاعرم و با این بیت شروع کنم:

هر آنکس که دارد روانش خرد
به چشم خرد کارها بنگرد

معرفی کردند تا اساسنامه را تهیه کنند که این اساسنامه نیز در شهریور ماه ۱۳۷۸ به تصویب هیات وزیران رسید. با انتخاب اعضای اولین دوره‌ی شورای عالی جامعه در طی سه سال مواردی مانند بخش‌هایی از مواد ۵، ۶، ۷۲ و ۶۲ اساسنامه اجرا می‌گردد که هم اینک نیز همان مقررات قدرت اجرایی دارند.

وی با اشاره به این‌که به‌طور کلی زمان اساسنامه مصوب شهریورماه ۱۳۷۸ بوده و در حال و هوای ساختارها و نگرش‌های اقتصادی و اجتماعی همان دوران تدوین یافته است، گفت: هم اینک بی‌تردید اساسنامه‌ای جدید می‌تواند بسیاری از

ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی " مصوب سال ۱۳۷۲ است به‌ویژه تبصره (۲) آن که برای تنظیم امور و اعتلای حرفه حسابداری و حسابرسی و نظارت حرفه‌ای بر کار حسابداران رسمی است کار را برای جامعه حسابداران رسمی تمام می‌کند.

در این راستا در سال ۱۳۷۴ آیین‌نامه‌ی تعیین صلاحیت و چگونگی انتخاب آنان که بازم بر خاسته از همان قانون است به تصویب هیات وزیران می‌رسد و سپس هیات تشخیص صلاحیت توسط وزیر امور اقتصادی و دارایی تعیین می‌شود. بدو ده نفر را به‌عنوان حسابداران رسمی

سپس در دو بستر سخن می‌گوید: در بستر ساختاری جامعه، در بستر ساختار جامعه‌ی حسابداران رسمی به‌عنوان حسابدار. خستویی تشریح می‌کند: ساختار جامعه کاملاً برگرفته از قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران

موارد مسایل آن زمان را در برداشته باشد اما می‌بینم که اساسنامه اصلاحی تقدیمی جامعه در وزارتوی دیوانسالاری مانده است.

از دیگر نکاتی که این عضو شورایی عالی جامعه‌ی حسابداران رسمی به آن اشاره می‌کند، این است که، در جای جای قانون و اساسنامه و مقررات جامعه بخوبی قابل مشاهده است، پیروی شدید و غیرقابل تغییر آن از دیدگاه‌های دولتی بویژه وزارت امور اقتصادی و دارایی اصلی اساسی است در حالیکه اساساً جوامع و نهادهای حرفه‌ای در جهان و هرکجا از ساختاری غیردولتی و مردم نهاد برخاسته و تکثر سلولی آنها در فضایی غیردولتی است.

خستویی نفسی تازه می‌کند: در تبصره ۵ ماده واحده (همان قانون) می‌بینیم که گرانیگاه دولتی‌نگری آنچنان است که در هنگام احصاء و ارائه نشانی نمی‌گوید که دستگاه دولتی می‌تواند علاوه بر حسابداران رسمی از سازمان حسابرسی نیز استفاده کند بلکه اینطور نوشته شده که دستگاه‌های دولتی می‌توانند از خدمات سازمان حسابرسی که تنها، سازمان حسابرسی دولتی محسوب

می‌شود یا حسابداران رسمی فوق‌الذکر استفاده کنند. یعنی جامعه در کنار سازمان حسابرسی نقش پاره سنگ دارد. می‌گوید: از همین ماده واحده شروع کنیم. اگرچه حوزه‌ی فعالیت حسابداران رسمی در ماده واحده مشخص شده است ولی گستره کارهای قابل اجرا توسط حسابداران رسمی تقریباً بی‌تغییر باقیمانده و بخش مهمی از کارها کماکان در حوزه‌ی دولتی حرفه انجام می‌شود. درحالیکه تعداد حسابداران رسمی و به پیروی از آن موسسات حسابرسی رشدی

افزایشی دارد.

در بخش حسابرسی مالیاتی نتایج عملکرد اگر نخواهیم بگوییم عالی ولی حداقل خوب بوده است اما در چارچوب دستوالعمل‌های صادره و اخیراً رهنمود گزارشگری مالیاتی منگنه‌ی فشار بر حسابداران رسمی فارغ از مفهوم بنیادی ماده ۲۷۲ رو به تزیاید است. درحال حاضر به پیروی از دستورالعمل جدید حسابدار انجام دهنده خدمات مالیاتی به حد دستیار در جمع آوری اطلاعات مالیاتی تنزل یافته است.

ندامت از طلا بودن

خستویی درخصوص یکی از چالش‌ها پیرامون حسابرسی مالیاتی نیز به اظهار نظر پرداخت. تصور می‌کنم باید دور انجام خدمات مالیاتی را قلم گرفت و مقرر نمود تشخیص مالیات صورت‌های مالی شرکت‌های مالی مورد نظر بدون گزارش حسابرسی میسر نبوده و باید صورت‌های مالی حسابرسی شده آنها مورد استفاده قرار گرفته و به همراه اظهارنامه ارائه شوند تا از این همه چپ‌نگری به حسابداران رسمی رسیدگی‌کننده مالیات رها شویم.

وی در مواجهه با این سوال که پیشنهاد شما در باره حسابرسی مالیاتی چیست؟ گفت: من حسابدار رسمی رسیدگی‌کننده حسابها هستم و در چارچوب اعداد و ارقام حرکت می‌کنم. مسلماً این موضوع حوزه‌ی تفاهم ما با کارشناسان مالیاتی نیست. بهتر آن است که این جمع نقیضین به صورت مستقل حرکت کنند به این معنا که اصلاً همکاران ما وارد این حوزه نشوند. پیشنهاد من به دوستان مراجع مالیاتی هم این است که تنها روی صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها اقدام کنند.

خستویی با طرح این سوال که در اینجا حالا که دیگر از طلا بودن پشیمان باشیم چکار باید بکنیم؟ ادامه داد: این‌طور بنظر می‌رسد که شیر اکسیژن تنفسی حسابداران رسمی در دست هیات تشخیص صلاحیت حسابداران رسمی است. یکبار در بررسی اولیه برای برگزاری آزمون هیات اقدام می‌نماید این اقدام را بسیار درست می‌دانیم: انتخاب اعضا هیأت را توسط مقام وزارت دارایی و عموماً از بین رجال مالی دولتی هم ندیده می‌گیریم.

وی در ادامه به موضوع جالب توجه بند ماده ۲ آیین‌نامه‌ی مبتنی بر تعیین صلاحیت حسابداران رسمی است اشاره می‌کند که می‌گوید: تایید نهایی صلاحیت حسابداران رسمی بعد از هر دوره‌ی پنج ساله این جمله با این دستور مانند احکام حبس تعزیری است یعنی هر دوره ۵

ساله باید تائید صلاحیت بشود اگرچه در جایگاه‌های دیگری در این خصوص، جهت مشخص شده است مانند ماده ۵۴ اساسنامه مصوب ۱۳۷۸.

عضو شورایی عالی جامعه حسابداران رسمی تشبیهی نیز ارائه می‌دهد: من تصور می‌کنم ما یک باشگاه فضاوردی درست کرده ایم برای انتخاب دریانورد. من بر این باور هستم که ما نیازمند یک مهندسی و معماری مجدد در این ساختار هستیم. طراحی ساختاری با کمال درایت، آینده‌نگری و کامل که در فضایی آرام و بدون تنش باید تدوین شود.

توپ فوتبالی به نام نظارت

اما نظارت. وی نظارت را به توپ فوتبال تشبیه می‌کند. توپی که هر کس از راه می‌رسد دوست دارد یک شوتی به این توپ فوتبال بزند. نظارت بر کار ما حسابرسان نیز عین همین شوتی است که به این توپ می‌زنند. حسابرسان خواهان استقلال است. در چارچوبی نظیر حرفه‌ی ما که تدوین‌کننده‌ی قوانین و قواعد و استانداردها، سازمان حسابرسی است. ما در جامعه نیازمند کمیته‌ای هستیم که رهنمودهای اجرایی بدهند. اصول و موازین خیلی خوب است اما مثل این است که ما به جای اینکه به مسائل روز و مرتبط به حرفه چون چگونگی مواجه شدن و حسابرسی کاهش ارزش پیردازیم هنوز اندر خم یک کوچه مانده باشیم و به این پیردازیم که آیا موسسات حسابرسی یک درصد سهم خود را به واقع پرداخت کرده‌اند یا خیر؟ تلفیق صورت‌های مالی چگونه باید باشد؟

وی با ابراز تاسف از اینکه اینکه هنوز موسسات را درگیر این موضوع می‌کنند که اگر رتبه تان از ۶۵۰ کمتر و به ۶۴۹ رسید افتاده‌اید مربوط به زمان ناپلئون است نه دنیای مدرن و عصر حاضر؛ گفت: این مسایل را به زبان خودمانی می‌گویم که همه ما پی ببریم به این موضوع که هنوز با چه چالش‌های پیش و پا افتاده‌ای

مواجه هستیم؟ ما باید خودمان را موظف به حرکت در چارچوب کلی منافع کشور بدانیم.

وی به سفر اخیرش به فنلاند اشاره می‌کند: اخیراً برای شرکت در جلسه‌ی حسابرسان عازم فنلاند شدم. تجربه‌ی جالبی بود. جای دوستان و همکاران بسیار مستعد و باسواد را خالی دیدم. هنوز آنها درگیر اصول بسیار ابتدایی و بسیار سبلی بودند که شنیدن و بیان آنها بسیار مایه تعجب بود.

راهکار: شاید یک منشور اخلاقی

گفتگو با ارائه راهکار پیرامون مشکلات و چالش‌های مطرح شده به پایان می‌رسد. وی در این خصوص می‌گوید: به نظر می‌رسد جامعه‌ی ما نیز همچون جامعه‌ی ورزشی نیازمند تدوین یک منشور اخلاقی است.

دومین راهکار وی این است که باید به آموزش فارغ‌التحصیلان رشته‌ی حسابرسی و حسابداری توجه شود. ما باید به این موضوع پیردازیم که چگونه می‌توانیم فارغ‌التحصیلان رشته‌ی حسابرسی و حسابداری را تحت آموزش عملی قرار دهیم تا به نحو احسن آموزش و اجرا درهم آمیزد؟

وی با طرح پیشنهاد آموزش، سنجش و ارائه‌ی مدرک حرفه‌ای به هر فارغ‌التحصیل حسابداری گفت، می‌توان به صورت کاملاً عملی در این حوزه وارد شد.

خستویی در این خصوص توضیح بیشتری می‌دهد: متأسفانه فارغ‌التحصیلان و نیروهای جوان تازه‌وارد، هر روز خود را آماده‌ی تغییر و جابجایی می‌دانند. برخی از این دوستان به محض آن‌که پیشنهاد بالاتری را می‌شنوند، می‌پذیرند و همچون گذشتگان محبت به شرکت و موسسه همکار خود ندارند. ما می‌توانیم با برگزاری دوره‌های آموزشی و سپس آزمون و ارائه‌ی مدارک مهارت‌های تخصصی از این رویه‌ی کنونی دوری بجویم.